

نقش مبانی هستی‌شناختی در تعامل با محیط زیست با تکیه بر آموزه‌های قرآن

حامد پور رستمی*

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۲

ام البنین سلیمانی باغشاه**

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۲

چکیده

هستی از نگاه قرآن دارای اوصافی مانند هدفمندی، ذی‌شعوری، نظم، و قدسیت می‌باشد. درک هر یک از این اوصاف می‌تواند آثار قابل توجهی در تعامل با محیط زیست داشته باشد. افزون بر این میان انسان که مانند سایر اجزای هستی هدفمند آفریده شده است و طبیعت که در مسیری هماهنگ با سیر کمالی انسان در حرکت است، ارتباط معناداری حاکم است. بنابراین تعاملی نیک با محیط زیست، به معنای هماهنگ شدن با جریان هستی در مسیر تکوینی آن است و این مهم تأثیر بسزایی در سعادت و کمال انسان می‌تواند داشته باشد. از این رو هستی‌شناختی و نقش آن بر تعامل بشری با محیط زیست موضوعی است که این مقاله آن را پی گرفته است.

کلیدواژگان: نظم هستی، ذی‌شعوری هستی، آیت بودن هستی، قدسیت هستی و هدفمند بودن هستی.

مقدمه

جهان هستی از جمله طبیعت در قرآن کریم بیش از هر چیز دیگر مورد توجه است. خداوند به ندرت از امور غیرطبیعی برای بیان عظمت خود استفاده می‌کند و در مقابل، مداوم و به نحو پی‌گیر و با تأکید از آدمیان دعوت می‌کند به طبیعت و جهان هستی بنگرند تا او را ببینند. در واقع طبیعت محلی است که خداوند در آن تجلی کرده است و نگرستن در آن اگر با تدبیر و فهم همراه شود همواره بر میزان شناخت انسان از خدا افزوده می‌شود. قرآن عالم طبیعت را جلوه حضور خدا می‌داند و بین طبیعت و فوق طبیعت مرزبندی دقیق و قاطعی انجام نمی‌دهد، به گونه‌ای که خداوند و سایر امور معنوی و انسان در یک طرف و طبیعت در طرف دیگر قرار گیرد. این تلقی تا بدانجا است که عناصر به اصطلاح مادی برای خداوند امور مقدس شمرده می‌شود به حدی که خداوند در قرآن بر آن‌ها قسم می‌خورد (پور محمدی، ۱۳۸۷: ۲۹۲-۲۹۱) مانند:

﴿وَالصُّبْحُ إِذْ أُنْفَسَ﴾

«و به صبح، هنگامی که تنفس کند» (تکویر / ۱۸).

هنگامی که خداوند به شب و روز سوگند یاد می‌کند، واژگانی را به کار گرفته است که تصویر سازی می‌کند، و آهنگ آرامی را به گوش می‌رساند. از آیه فوق نور فجر دیده می‌شود و با آیه آواز گنجشک و بانگ خروس به گوش می‌رسد و احساس حرکت و جنب و جوش و نشاط به دست می‌دهد (فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۴: ۱۷۳-۱۹۰).

زمان به عنوان یکی از شگفت‌انگیزترین مظاهر آفرینش و نیز یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های ارزشمند گیتی، سرمایه بی‌نظیری است که مصادیق مختلف آن در قرآن کریم مورد سوگند واقع شده است.

سوگندهای پر بار قرآن کریم که دریایی از معارف را در خود نهفته دارد، از زاویه‌ای می‌تواند کلید فهم علوم و دانش‌های مختلف باشد؛ زیرا سبب بسیج اندیشه آدمی پیرامون موجوداتی می‌شود که خداوند بدان‌ها سوگند یاد کرده است، و بدین ترتیب رازهای مهم و علوم جدید برای انسان کشف می‌شود (احمدی نیک، تابستان ۱۳۹۰: ۱۱-۲۶).

این‌ها همه نشان می‌دهد هستی منظومه‌ای با نظم متقن و آهنگی دلنواز است و

نمی‌توان بدون شناخت هستی و خواص آن تعامل نیکی با محیط پیرامونی داشت.

﴿وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ﴾ وَطُورِ سَيْنِينَ ﴿وَمَاذَا بَلَدِ الْأَمِينِ﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿

«قسم به انجیر و زیتون [یا: قسم به سرزمین شام و بیت المقدس]، و سوگند به «طور سینین»، و قسم به این شهر امن [مکه]، که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم» (تین/۴-۱).

قرآن در تمام اضلاع و زوایای این هستی، حضور پروردگار یکتا را به آدمی می‌نماید و از همه پدیده‌ها به عنوان «آیت» یاد می‌کند. این نخستین و ژرف‌ترین پیوند بین انسان قرآنی با عالم طبیعت است. آدمی با رؤیت پدیده‌های آفاقی و انفسی به عنوان «آیات» به پروردگاری که آن را شهود کرده، متذکر می‌گردد. حس کنجکاو او، وی را به درک رابطه خدا و هستی وامی‌دارد و از رهگذر آن متعهد شناخت اوصاف هستی می‌گردد. در نگاه قرآن کریم، تمام اجزای هستی دارای صفاتی همچون هدفمند، تسلیم، سنجیده، زیبا و قدسی، نشانه، تسبیح‌گو و سجده کننده در برابر پروردگار هستند. درک این اوصاف می‌تواند آثار قابل توجهی در تعاملی نیک با محیط زیست فراهم آورد.

اسلام به طبیعت تنها نگاه تنگ‌نظرانه مادی ندارد، بلکه از زاویه‌ای غیرمادی نیز به آن‌ها می‌نگرد. از نگاه قرآن طبیعت، آفریده خداوند حکیم، دانا و تواناست که هیچ‌گونه سستی، کاستی، ضعف و جهالتی در کار او را ندارد.

یکتای بی‌همتا در کنار آفرینش ما، تمام مایحتاج ما را نیز آفرید و از آنجایی که ما را می‌شناخت راه و روش زندگی و استفاده درست و صحیح از امکانات را نیز به ما آموخت یکی از این امکانات محیط زیست است لذا در این مقاله به بررسی نقش مبانی هستی‌شناسی طبیعت در تعامل با محیط زیست پرداختیم.

پیشینه تحقیق

در راستای محیط زیست و انسان تحقیقات فراوانی تا به حال انجام شده است و کتاب‌هایی به طور مستقیم و غیرمستقیم به این مسأله پرداخته‌اند اما تحقیق و کتاب کامل و جامعی که به نقش مبانی انسان شناختی در تعامل با محیط زیست با تکیه بر

آموزه‌های قرآن تا کنون نوشته نشده است. برخی از آثار مهم در این زمینه به شرح ذیل می‌باشد:

- *آیت الله جوادی آملی* در کتاب خود با عنوان «اسلام و محیط زیست» از زوایای مختلف انسانی و دینی به موضوع مهم و ارزشمند محیط زیست پرداختند.

- *آیت الله جوادی آملی* در کتاب خود با عنوان «مفاتیح الحیاة» از زوایای مختلف به تعامل انسان با خود، با هم‌نوعان، مردم و نظام اسلامی، با حیوانات و با خلقت زیست محیطی پرداختند.

- *فضلان ام. خالد و ابرین. جوان* در کتاب خود با عنوان «اسلام و محیط زیست» که *اسماعیل حدادیان* مقدم آن را ترجمه کرده است، نخستین تلاش برای ارائه تصویری جامع از دیدگاه اسلام درباره محیط زیست است که در آن به محیط زیست و احکام آن و ... از نگاه اسلام پرداخته‌اند.

انسان به عنوان موجودی فعال در محیط زیست با توجه به خصوصیات منحصر از جمله قدرت تفکر، بهره‌کشی و استعمار از زمانی که پا به عرصه حیات گذاشت به دنبال استفاده از امکانات محیط خود برای زندگی و بدست آوردن آسایش بوده است. اما با توجه به رشد جمعیت انسان و استفاده بی اندازه در ابعاد مختلف از طبیعت و سوء استفاده عده‌ای افراد سودجو و کوتاه فکر و عدم شناخت جایگاه کافی از جایگاه هستی، نابودی بعضی از موجودات و اختلال در محیط زیست اتفاق افتاد، و تا کنون تحقیق کامل و جامعی در ارتباط با نقش مبانی هستی‌شناختی در تعامل با محیط زیست انجام نشده است.

سوالات تحقیق

۱. مبانی هستی‌شناختی کدام‌اند؟

۲. وجوه نقش‌آفرینی مبانی هستی‌شناختی بر تعامل با محیط زیست چگونه است؟

فرضیه‌ها

فرضیه‌هایی که در این مقاله مطرح شده‌اند عبارت‌اند از:

۱- هستی در نگاه قرآن موجودی ذی شعور، با اوصافی ویژه و جلوه‌ای از حضور مدبرانه حق تعالی است.

۲- درک هر انسانی از هستی، از نگاه قرآنی آن، سبب ایجاد و ارتقاء تعاملی نیک و افزایش احساس مسؤولیت نسبت به حفظ محیط زیست می‌شود.

۳- هم‌چنین به نظر می‌رسد نظم هستی، قدسیت هستی و ... می‌تواند از مبانی هستی‌شناختی باشد؛ بنابراین شناخت و درک هر یک از این مبانی می‌تواند در تعامل با محیط زیست که خود جزئی از هستی می‌باشد مؤثر باشد.

۱.۱. نظم هستی

جهان هستی همانند بدن انسان از اجزای مختلف تشکیل شده و دارای نظم است و انسان به عنوان خلیفه الله بر روی زمین که خود جزئی از این جهان هستی است باید در حفظ و تعادل جهان هستی از جمله محیط زیست بکوشد.

نظم در برابر آشفتگی و هرج و مرج به کار می‌رود، و به باور جعفر سبحانی مقصود از آن گرد آمدن اجزای متفاوت با کیفیت و کمیت ویژه‌ای در یک مجموعه است به گونه‌ای که همکاری و هماهنگی آن‌ها وصول به هدفی معین را در پی داشته باشد (سبحانی، ۱۳۶۴: ۷۳).

عالم هستی در عین تضاد و تزاومی که بین اجزایش هست، به نحو خاصی به هم مرتبط و پیوسته است و آن رشته ارتباط خاص، اجزای عالم را هم‌آغوش و هماهنگ یکدیگر کرده و در اثر این هم‌آغوشی و هماهنگی، هر موجودی را به نتیجه و اثر رسانده است، انسان‌ها نیز که جزئی از اجزای عالم هستی هستند، از این کلیت مستثنی نیستند و باید بر طبق آنچه که فطرت‌شان به سوی آن هدایت‌شان می‌کند، رفتار نماید تا به سعادت‌ی که برای‌شان مقدر شده برسند.

با عنایت به نقش خلیفه اللهی انسان در زمین که قاعدتاً بایستی شرط امانت را به جا آورد و به عنوان خلیفه خدا در زمین اعمال و کردارش صبغه الهی به خود گرفته و به صفات فعل الهی متصف باشند، این اصول می‌توانند او را در این راه یاری نموده و معیارهای مناسبی جهت ارزیابی اعمال و فعالیت‌هایش در اختیارش قرار دهند. در هر

حال تأکید اصلی بر این پایه استوار است که قوانین حاکم بر طبیعت و همچنین تجلی و حاصل اعمال این قوانین اولاً در متون اسلامی به عنوان آیات علم، قدرت و وحدانیت الهی برای تفکر و تعقل و تذکر مورد اشاره و استناد قرار گرفته‌اند، ثانیاً همواره الگوی انسان‌های آگاه بوده‌اند، اهم این قوانین عبارت از وحدت، تعادل، نظم، هماهنگی، زیبایی، توازن، حساب، اندازه و امثالهم می‌باشد.

بر طبق جهان‌بینی توحیدی اسلام، رابطه انسان با جهان هستی یک رابطه حقیقی است و کمال انسان در ارتباط با دیگر انسان‌ها و موجودات جهان هستی شکل می‌گیرد و برقراری روابط حق و صدق و عدل را تنها برای فرد، یا گروهی از انسان‌ها در نظر نمی‌گیرد، بلکه چنین ارزش‌هایی را از دیدگاه خالق هستی و منشأ فیض لا یزال، برای کمال و سعادت انسان‌ها و بلکه همه موجودات جهان هستی مطرح می‌نماید (اصغری لفقجامی، ۱۳۸۴: ۸۹-۸۸).

قرآن در سوره رحمان به «میزان» اشاره می‌کند که هر قانون تکوینی و تشریحی را شامل می‌شود، چراکه همه وسیله سنجش‌اند. می‌گوید:

﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ﴾

«و آسمان را برافراشت، و میزان و قانون (در آن) گذاشت» (الرحمن/۷).

و در آیه بعد نتیجه‌گیری جالبی از این موضوع کرده، می‌افزاید:

﴿أَلَا تَطْغَوْنَ فِي الْمِيزَانِ﴾

«تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید)» (الرحمن/۸).

حاصل آنکه انسان باید با درک درست از قرآن و نظام هستی، الگوی اخلاق زیست محیطی برآمده از قرآن را - که بیانگر سنجیده بودن نظام هستی است - با بهره‌گیری شایسته و تعامل متناسب با محیط زیست رعایت نماید.

انسان نیز بخشی از این عالم عظیم است و هرگز نمی‌تواند به صورت یک وصله ناجور در این جهان بزرگ زندگی کند. عالم دارای نظام و میزانی است و انسان هم باید هماهنگ با نظام عالم باشد.

به این ترتیب، قرآن در بحث فوق از کل عالم هستی به انسان منتقل می‌شود و قوانین حاکم بر آن عالم کبیر را با قوانین حاکم بر زندگی انسان (عالم صغیر) هماهنگ

می‌شمارد. به عبارت دیگر، در مرحله اول سخن از میزان و معیار و قوانینی است که خداوند در سراسر عالم هستی قرار داده است و در مرحله دوم سخن از عدم طغیان انسان‌ها در تمام موازین زندگی فردی و اجتماعی است که طبعاً دایره محدودتری دارد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که خداوند متعال از بندگان خویش خواسته، نظم و توازن موجود در جهان هستی را پاس بدارند و از هرگونه عمل مخالف با چنین نظمی به شدت پرهیز کنند. از این رو، تصرفاتی که بشر در طبیعت انجام می‌دهد و باعث بهم خوردن چنین هماهنگی می‌شود، حتی در سطوح کوچک و محدود، نامطلوب و خلاف رضایت و خشنودی خداوند است.

بر این اساس، نظام و توازن موجود در طبیعت صنع الهی است و این صنع از حکمت، استواری و درایت بالا برخوردار است و برای حفظ طبیعت و روند آن در مسیری که خداوند حکیم در نظر گرفته، به آن نیازمند خواهیم بود.

هرگونه دخالت و تصرفی که موجب برهم خوردن این نظام و توازن باشد، چون خلاف اراده تکوینی و در نتیجه اراده تشریحی خداوند است، ناروا و تلاش در راستای حفظ این توازن، مطلوب خداوند متعال است و بر مؤمنان تحصیل این مطلوبیت و حفظ آن واجب است (اصغری لفجامی، ۱۳۸۴: ۹۰).

از طرف دیگر، در آیات متعددی از قرآن بر خلقت انسان به عنوان جانشین خداوند در زمین تأکید شده و خداوند به طور صریح فرموده:

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ﴾

«اوست که شما را جانشینانی در زمین قرار داد» (فاطر/۳۹).

بنابراین انسان جانشین خداوند در زمین است و جانشین، حق انجام دادن کاری را مخالف اراده و خواست کسی که به جای او نشسته ندارد و چون اراده خداوند بر وجود هماهنگی و توازن در طبیعت تعلق گرفته، جانشین او هم باید در همین راستا گام بردارد و حق ندارد برخلاف خواست و اراده خداوندی کاری انجام دهد. اگر چنین کند، به طور قطع حق جانشینی را به جای نیاورده و از محدوده خلافت پافراتر نهاده است. از این رو انسان برای پاسداری از عنوان جانشینی خود باید به حفظ توازن و هماهنگی جهان همت گمارد.

اما انسان با اقدامات غیرمنطقی خود چهره طبیعت را مخدوش ساخته و دامنه آلودگی زیست محیطی را به قدری گسترده نموده که زندگی انسان‌های امروز و نسل‌های آینده شدیداً به مخاطره افتاده است و لازمه خلاصی از وضعیت موجود تغییر و دگرگونی در نگاه انسان نسبت به طبیعت و تعامل مطابق خلقت با آن است (ولایی، ۱۳۸۸: ۱۱۵). یعنی انسان در نگاه‌اش به هستی، در عین اینکه آن را منظم می‌داند، برای آن شعور قایل باشد و مراد از تعامل مطابق خلقت هم این است که در بهره‌برداری از آن، نه زیاده‌روی کند و نه تفریط، بلکه بر اساس عدالت برخورد کند تا نظم و انسجام هستی پابرجا بماند:

﴿...اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾

«...عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است» (مائده / ۸).

با توجه به آیه شریفه یکی از مصادیق تقوی، برخورد مناسب با محیط و بهره‌برداری شایسته در قبال آن می‌تواند باشد. درست است که برخی از اجزای طبیعت قابل ترمیم و بازسازی مجدد می‌باشند ولی این نباید سبب شود که انسان خودمختار عمل کند و انسجام هستی را بر هم زند.

آسمان برافراشته، زمین گسترده، کوه‌های بلندقامت، درختان سرسبز و خرم و... همه حساب‌شده، به اندازه، از سر دقت و حکمت آفریده شده است؛ از این رو خداوند همواره به آدمیان هشدار می‌دهد که این نظم شگفت‌انگیز طبیعت را که حیات آدمیان و دیگر حیوانات زنده در گرو آن است بزرگ و ارجمند بشمارند و آن را پاس دارند، و از هرگونه فساد در زمین و اسراف در بهره‌وری از طبیعت بپرهیزند که پیامدهای بس وخیم و زیان‌بار دارد. بدین ترتیب، آدمی باید خود و طبیعت را بشناسد و از سودمندی‌های طبیعت و زیان‌های ویرانگر و جبران‌ناشدنی تخریب آن آگاه گردد و غفلت نکند و در حفظ و سلامت آن بکوشد. اگر آدمیان به راه فساد و تباهی در زمین گام نهند، خداوند آنان را به حال خود رها می‌کند تا پاره‌ای از نتایج تلخ اعمال خود را بچشند و در نتیجه شاید متنبه شوند و از اعمال زشت خود دست بردارند و به سوی پروردگارشان بازگردند. مجله فرهنگ جهاد، شماره ۳۱: ۱۳۵).

چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ﴾

«و اگر حق از هوس‌های آن‌ها پیروی کند، آسمان‌ها و زمین و همه کسانی که در آن‌ها هستند تباه می‌شوند! ولی ما قرآنی به آن‌ها دادیم که مایه یادآوری (و عزّت و شرف) برای آن‌هاست، اما آنان از (آنچه مایه) یادآوری‌شان (است) روی‌گردان‌اند!» (مؤمنون/۷۱).

بر این اساس، از آنجایی که هوی و هوس مردم معیار و ضابطه‌ای ندارد، بلکه علاوه بر این در بسیاری موارد به سوی زشتی‌ها می‌گراید، اگر قوانین هستی، تابع این تمایلات انحرافی گردد، هرج و مرج و فساد، سراسر آن را فرا می‌گیرد.

بر پایه این آیه، از جمله فسادهایی که انسان ممکن است مرتکب آن شود، آلودگی و تخریب محیط زیست است. خداوند انسان‌ها را با محیط آزمون می‌کند و در صورت بی‌توجهی و غفلت باید تاوان آن را خواه در دنیا و آخرت بپردازد.

بنابراین خداوند محیط زیست و طبیعت را به دقت هر چه تمام‌تر، هماهنگ، باثبات و از روی اندازه و حساب آفریده است (مجله فرهنگ جهاد، شماره ۱۶: ۴۰).

آفرینشی که در حد نهایت و غایت خوبی‌ها و بهترین‌هاست و تحت هیچ شرایطی خلقت بهتر از آنچه اتفاق افتاده قابل تصور نیست و انسان باید این مسأله را به خوبی و با تمام وجود درک کند و با فعالیت و اثرگذاری منفی خود این نظم و هماهنگی و زیبایی را به نفع خود تغییر ندهد. انسان‌ها نباید با اقدامات نادرست خود این انسجام را بر هم زنند چراکه در پیشگاه الهی مسؤولیت دارند و برهم‌ریختن ثبات آن در واقع سلامتی خود انسان‌ها را نیز به مخاطره می‌اندازد و انسان حتی به خاطر خودش هم که شده باید اخلاق زیست محیطی را رعایت کند و تعاملی نیک داشته باشد. اگر انسان دو محیط متفاوت را یعنی محیط طبیعی که دست نخورده و بکر است را با محیطی که با فعالیت نادرست انسان‌ها دچار مشکل شده، مقایسه کند، پی خواهد برد چه بسا عملی از دید انسان ناچیز باشد، ولی ممکن است تأثیرات چشمگیری در حفظ و ثبات و یا تخریب محیط زیست داشته باشد. وقتی انسان با مقایسه این دو محیط، درک کند که محیط طبیعی تا چه اندازه در روحیه و حتی زیبایی هستی و انسجام آن مؤثر است و در مقابل،

محیط تخریب شده، تا چه میزان موجبات اغتشاش ذهنی انسان را فراهم می‌آورد و منجر به برخورد نامناسب نسبت به محیط زیست خواهد گردید و اثرات روحی و روانی ناخوشایندی به جای خواهد گذاشت، سعی خواهد کرد رفتار خود را با نظم و اعتدال حاکم بر محیط انطباق دهد تا محیط مثل همیشه آن تأثیرات مثبت خود را بر روح و روان انسان‌ها داشته باشد. بنابراین با درک درست انسان از قرآن و نظام هستی است که می‌توان سبک صحیح را معرفی نمود و با عملی نمودن آن‌ها شرایط حفظ و نگهداری از محیط زیست را محقق نمود و سبب ایجاد و ارتقاء و سبک صحیح تعامل زیست محیطی شد.

۲. ذی‌شعوری هستی

انسان تنها موجود زنده در جهان نیست بلکه موجودات در طبیعت زنده بوده و شعور دارد و مطیع فرمان خداوند متعال هستند. صدر المتألهین شیرازی معتقد است که هر موجودی به اندازه وجودش شعور دارد او می‌گوید: «جميع الموجودات حتى الجمادات حية عالمة ناطقة بالتسبيح شاهدة لوجود ربها عارفة بخلقها و مبدعها»؛ «تمامی موجودات حتی جمادات گرچه ظاهراً زنده نیستند ولی در حقیقت زنده و آگاه و گویای تسبیح حق‌اند و جمال و جلال حق را می‌نگرند و آگاهی کامل به خالق و مبدأ وجود دارند» (صدر المتألهین، ج ۸: ۱۱۷).

از صفات خداوند متعال «ادراک» و «اختیار» است. طبعاً آفریدگار مدرک و هوشمند و صاحب اختیار، آفریدگار هوشمند و مختار می‌آفریند تا فلسفه آفرینش یعنی «کمال‌گرایی» و به سوی خدا رفتن را جامعه عمل ببوشاند. این گرایش در تمام اجزای هستی جاری است و همه موجودات فطرتاً عاشق کمال‌نهایی خود هستند. درختان، گیاهان، باغ‌ها، آب‌ها و جویبارها، علف هرزها و زراعت‌ها و ... مظاهر و نمودی از طبیعت‌اند که هستی دارند و هر یک با زبانی با ما سخن می‌گویند. در قرآن آمده:

﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ﴾

«سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که به صورت دود بود به آن و به زمین دستور داد: «به وجود آید (و شکل گیرید)، خواه از روی اطاعت

و خواه اکراه!« آنها گفتند: «ما از روی طاعت می‌آییم (و شکل می‌گیریم)» (فصلت / ۱۱)

﴿وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَهٍ قَنُتُونَ﴾

«و از آن اوست تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین‌اند و همگی در برابر او خاضع و مطیع‌اند» (روم / ۲۶)

با بررسی آیاتی از قرآن کریم که ارتباط مستقیم با این موضوع دارند درمی‌یابیم که هستی دارای شعور و اختیار است:

فعالیت‌های جوامع بشری را نیز همواره دو گونه جهان‌بینی الهی و مادی جهت داده است. دو جهان‌بینی ذکر شده باعث دو تفکر و در نتیجه دو گونه برخورد با محیط زیست و طبیعت شده است. به بیان دیگر رابطه انسان با جهان خارج (محیط زندگی) برخاسته از دو نوع نگرش به آن است، زیرا جهان‌بینی مادی، طبیعت را موجودی بی‌شعور دانسته که هرگونه دخل و تصرف در آن رواست و انسانی موفق است که با فن‌آوری و توانایی‌های علمی خود طبیعت را مقهور خود کرده و هرچه بیش‌تر از آن بهره‌مند گردد. در حالی که در جهان‌بینی الهی و در اسلام، طبیعت موجودی هوشمند و آیتی از آیات الهی شمرده می‌شود:

﴿سُنُّرِيهِمْ ءَايَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ...﴾

«به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جان‌شان به آن‌ها نشان می‌دهیم...» (فصلت / ۵۳)

به بیان دیگر از نظر اسلام وحدتی بر کل جهان حاکم است و بین کلیه اجزای عالم ارتباط برقرار است به همین دلیل اسلام نسبت به جهان، نگاهی کل‌گرایانه دارد و تفکر جزء‌گرایانه را مردود می‌شمرد (ولایی، ۱۳۸۸: ۵۱).

حضرت علی (ع) در خطبه قاصعه «نهج البلاغه» نقل می‌کند که قریش به پیامبر (ص) گفتند:

﴿وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ أَمْرًا إِنَّ أَنْتَ أَجِبْتَنَا إِلَيْهِ وَأَرَيْتَنَا، عَلِمْنَا أَنَّكَ نَبِيٌّ وَرَسُولٌ... فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «وَمَا تَسْأَلُونَ؟» قَالُوا: تَدْعُونَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ حَتَّى تَنْقَلَعَ بِعُرْوِقِهَا وَتَقَفَّ بَيْنَ يَدَيْكَ... ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَيُّهَا الشَّجَرَةُ إِنَّ كُنْتَ تَوَمِّينَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ،

وَتَعْلَمِينَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ، فَانْقَلَبِي بَعْرُوقِكَ حَتَّى تَقْفِي بَيْنَ يَدَيَّ بِإِذْنِ اللَّهِ... لَأَنْقَلَعَتْ
بَعْرُوقَهَا، وَجَاءَتْ وَلَهَا دَوِيُّ شَدِيدٍ...»

«ما چیزی از تو مسألت می‌کنیم و اگر به ما پاسخ دادی و آن را به ما ارائه نمودی، می‌فهمیم که تو پیامبر و فرستاده خداوندی ... آن حضرت فرمود: سؤال شما چیست؟ آنان گفتند: بخوان این درخت را تا از ریشه‌هایش کنده شود (و مجموع اجزایش) بیاید و در مقابل بایستد. ... سپس آن حضرت (ص) فرمود: ای درخت، به خدا و روز قیامت ایمان داری و می‌دانی که من رسول خدا هستم، با ریشه‌هایت از زمین درآی و با اذن خداوندی در برابر من بایست ... آن درخت با ریشه‌هایش از جای کنده شد و به طرف رسول خدا حرکت کرد». آیا این اقدام درخت دلیل بر هوشمندبودن نبات نیست؟ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲: ۶۵۵-۶۵۲).

«مولوی می‌گوید: آب و باد و خاک و آتش بنده خدای‌اند و به نظر من و شما مرده‌اند ولی به نظر الهی زنده‌اند. معنای «رام» بودن طبیعت، اطاعت بی‌چون و چرای او در برابر خواسته‌های بشر نیست. اسلام برای طبیعت شعور قایل است، طبیعت تحت اراده پروردگار و بر اساس دستور الهی نه تنها برخلاف اراده انسان‌های فاسد عمل می‌کند، حتی گاهی تغییر ماهیت می‌دهد تا ناتوانی انسان و قدرتمندی خداوند را به نمایش بگذارد» (ولایی، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

طبیعت، در بینش اسلامی رازدار و نگه‌دارنده اسرار است، طبیعت در این باره امانتداری است که جز به امر پروردگار حکیم، رازها را افشا نمی‌کند؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا﴾

«و زمین بارهای سنگین‌اش را خارج سازد» (زلزله/۲).

طبیعت به عنوان موجودی دارای شعور و تسبیح‌گوی و رازدار، همه و همه گواه بر این حقیقت‌اند که، قرآن و پروردگار حکیم، عظمت و اهمیت ویژه‌ای برای همه مخلوقات از جمله طبیعت و پدیده‌های طبیعی قایل‌اند. این اهمیت، درس‌گران‌بها برای همگان است تا آن‌ها را دست‌کم نگیرند، درآفرینش آن‌ها بیش‌تر بیندیشند و به حقایق و اسرار

نهفته در درون آن‌ها بیش‌تر فکر کنند.

بنابراین اولاً طبیعت، نسبت به ما و کردار و رفتار ما بدون درک و شعور نیست. ثانیاً طبیعت، اعمال ما را ثبت و ضبط کرده در سینه خود نگاهداری می‌کند و عملی صورت نمی‌گیرد جز آنکه بدون کم و کاست در دل طبیعت بایگانی می‌شود و چیزی به دست نابدی و فراموشی سپرده نخواهد شد. بر این اساس، باید گفت که طبیعت، پرونده و نامه اعمال ماست. ثالثاً این بایگانی، در قیامت، مورد توجه قرار می‌گیرد:

﴿يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا﴾

«در آن روز زمین تمام خبرهایش را بازگو می‌کند» (زلزله/۴)

چنانکه پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«ان الأرض لتخبر يوم القيامة بكل ما عمل على ظهرها»

«زمین در قیامت، در مورد هر آنچه در آن صورت پذیرفته خبر

می‌دهد» (شفیعی مازندرانی، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۰).

در قرآن کریم آمده است:

﴿أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

«خداوند بر هر چیز تواناست» (طلاق/۱۲).

و کل هستی فرمان‌بردار بی‌چون و چرای خداوند هستند و به دستور الهی، تمام هستی فرمان‌بردار اشرف مخلوقات یعنی انسان شده است و انسان به عنوان خلیفه خدا، در هر شبانه روز با گفتن ده بار ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾؛ «پروردگارا! تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم» (الفاتحه/۵). هماهنگ و هم‌نوا با سایر مخلوقات می‌شود و بدین ترتیب با محیط زیست خود از راه صفا و وفا به سر می‌برد (جوادی آملی، زمستان ۱۳۸۸ ق: ۷۳، با اندکی تصرف).

بنابراین با درک اینکه تمام هستی تسلیم خالق خویش است، الگوی اخلاق زیست محیطی مستخرج از قرآن، این نکته را به انسان یادآوری می‌کند که تمام هستی دارای شعور می‌باشد و با بوجود آمدن این اعتقاد، آدمی با استفاده بهینه از مواهب طبیعت و رعایت حقوق سایر اجزای هستی، در پیشگاه خداوند فرمان‌بردار واقعی محسوب می‌گردد.

۳. هدفمندی هستی

هر پدیده‌ای برای رسیدن به غایتی که برای آن آفریده شده است، در تلاش و تکاپو است، جهان هستی نیز هدفمند است و به سوی مقصد نهایی خویش در حرکت هستند. از هدفمندی هستی برمی‌آید که تمام اجزای آن رو به سوی خالق خود دارند:

﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأُمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ﴾

«خدا همان کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که برای شما دیدنی باشد، برافراشت، سپس بر عرش استیلا یافت (و زمام تدبیر جهان را در کف قدرت گرفت) و خورشید و ماه را مستخر ساخت، که هر کدام تا زمان معینی حرکت دارند! کارها را او تدبیر می‌کند آیات را (برای شما) تشریح می‌نماید شاید به لقای پروردگارتان یقین پیدا کنید!» (رعد/ ۲).

آنچه در جهان هستی وجود دارد، از کوچک‌ترین ذرات تا بزرگ‌ترین کهکشان‌ها، بر نظمی دقیق استوارند و به خوبی نقش خود را در گردونه حیات، ایفا می‌کنند؛ زیرا خداوند بزرگ، آنگونه که در آیه سوره انبیاء می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ﴾

«ما آسمان و زمین، و آنچه را در میان آن‌هاست از روی بازی نیافریدیم» (انبیاء/ ۱۶).

پس با توجه به آیات قرآن کریم، نظام آفرینش در مقام پیدایش، بیهوده آفریده نشده است و در مقام بقا نیز رها نیست تا انسان هرگونه که بخواهد و نیازش اقتضا کند، از آن بهره بگیرد و به آن آسیب برساند. شایسته است انسان به عنوان جزئی هدفدار از هستی با بهره‌گیری درست از قوه عاقله خود، زمینه را برای سایر اجزای هستی در جهت رسیدن به غایت آن‌ها فراهم آورد

در اینجا رابطه‌ای دوسویه فراهم می‌شود؛ از یک سو هستی هدفمند است و آدمی را برای رسیدن به هدف‌اش (قرب به خدا) فرا می‌خواند و از سوی دیگر، انسان زمینه بهره‌گیری صحیح از هستی را برای رسیدن به اهداف خود و جهان هستی فراهم می‌آورد. در هر دو سو، چون زندگی آدمی با طبیعت گره خورده است، پس او برای نیل به کمال

خود و نیز نیل جهان هستی به فرجام خود، ملزم به رعایت اخلاق زیست محیطی است؛ زیرا انسان در این فرآیند نمی‌تواند خود را جدای از سایر اجزای هستی ببیند. اگر بخواهیم هستی خود و جهان بدون وجود مبدئی با شعور توجیه و تبیین کنیم، هیچ‌گاه نمی‌توانیم به پاسخ این پرسش که «هدف آفرینش چیست» دست یابیم (نصری، بهار ۱۳۷۹: ۹۵).

در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که بیانگر هدفمندی جهان هستی است و به اثبات خالق و توحید و ربوبیت مطلقه خداوند بر تمام هستی می‌پردازد. هم‌چنین نشان‌دهنده عظمت، قدرت، حکمت، علم و رحمت الهی و اثبات معاد و حیات دوباره است که این‌ها اهداف متوسط برای رسیدن به هدف غایی است که از دید قرآن، افزودن معرفت انسان‌ها به خداوند و تقرب به اوست (مجله فرهنگ جهاد، شماره ۲۸: ۱۶۷-۱۴۴). از جمله در برخی از آیات آمده است که خلقت آسمان و زمین، به حق (دارای غایت) است و باطل نمی‌باشد و از روی لهو و لعب نیست:

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْبِينَ* مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾

«ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که در میان این دو است به بازی (و بی‌هدف) نیافریدیم! ما آن دو را جز بحق نیافریدیم ولی بیش‌تر آنان نمی‌دانند» (دخان / ۳۹-۳۸).

﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾

«همان‌ها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آنگاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند): بار الها! این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار» (آل عمران / ۱۹۱).

از این آیات استنباط می‌شود که خداوند هر شیئی را به بهترین حالت ممکن و برای آسایش و بهره‌گیری انسان در جهت پیمودن راه کمال آفریده است. انسان نیز باید با استفاده از درایت و شعور خود در جهت استفاده صحیح از این نعمت‌ها تلاش کند.

بهره‌گیری صحیح از نعمت‌های خداوند و منابع طبیعی محیط زیست، تمام آن چیزی است که به عنوان یک رفتار صحیح و الگوی کاربردی اخلاق زیست محیطی در جهت حفظ و استفاده متعادل از منابع و نعمت‌های خدا معرفی می‌شود. شبستری در این زمینه می‌گوید: «و از آنجا که کل نظام هستی در یک ارتباط هماهنگ و هدفمند و در ارتباط با خالق این نظام در حال حرکت است و راه درست و مستقیم تنها راهی است که به سوی او منتهی شود و بقیه راه‌ها بی‌راهه رفتن است. طبعاً حرکت بر اساس خواست انسان‌ها با محوریت بشر منتهای خدا یعنی محور قرار دادن هوی و هوس که نتیجه‌ای جز فساد در بر ندارد زیرا تمایلات هوس‌آلود همواره یک بعدی است و یکی از عوامل فساد و تخریب و نابودی محیط زیست برنامه‌های یک بعدی می‌باشد که ابعاد دیگر هرگز در آن مورد توجه قرار نمی‌گیرد».

بنابراین مجموعه پدیده‌های هستی، خود به خود در مسیر و به سمت هدف مقصد نهایی خویش در حرکت‌اند. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿صِرَاطَ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِلَّا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾

«راه خداوندی که تمامی آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست آگاه باشید که همه کارها تنها به سوی خدا بازمی‌گردد» (شوری / ۵۳)

﴿... وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾

«... از آن اوست و بازگشت همه موجودات، به سوی اوست» (مائده / ۱۸).

در این میان تنها انسان دارای اراده و اختیار است و می‌تواند در مسیر حرکت به سمت مقصد و هدف غایی آفرینش که برآورنده سعادت و فلاح اوست، گام بردارد. اما این انسان مختار باید همواره اصول اخلاقی را در راه رسیدن به سعادت رعایت کند و از جمله این اصول، رعایت اخلاق زیست محیطی می‌باشد. آنچه از هدفمندی هستی بر می‌آید این است که تمام اجزای هستی روی به سوی خالق خود دارند و در صدد رسیدن به حق می‌باشند. نظام آفرینش در مقام حدوث بی‌پهوده آفریده نشده و در مقام بقا رها نیست تا انسان هرگونه که بخواهد و حس طمع کار سیراب نشده‌اش اقتضا بکند آن را ویران بکند. لذا انسان خود به عنوان جزئی هدفدار از هستی باید زمینه را برای سایر اجزای هستی، برای رسیدن به غایت خود فراهم آورد. انسان برای رسیدن به هدف والا، باید زمینه و

شرایط لازم را با حفظ و سالم‌سازی محیط زیست همگانی فراهم آورد و انسان باید خود را جدای از سایر اجزای هستی نبیند چون زندگی آدمی با طبیعت گره خورده است. در نتیجه مجموعه جهان هستی از جمله طبیعت هدفمند هستند و هدف نهایی آن‌ها یکی است. با توجه به تأثیر ویژه آن‌ها بر روند داشتن یک زندگی سالم، نبودن و تخریب هر یک از آن‌ها ضربات جبران‌ناپذیری بر ادامه حیات وارد می‌سازد. بنابراین باید از تخریب آن‌ها جلوگیری کرد.

۴. آیت بودن هستی

طبیعت و اجزاء و قوانین حاکم بر آن در آموزه‌های اسلامی به عنوان «آیات الهی» مطرح هستند که تدبّر و تعقل در آن‌ها انسان را به شناخت بهتر عالم وجود و عظمت و قانونمندی آن و در نهایت، به شناخت خالق هستی و حکمت و وحدانیت او رهنمون می‌سازد.

منظور از طبیعت عالم مادی است، یعنی عالمی که با حواس‌مان با آن در ارتباط هستیم. در قرآن کریم متجاوز از ۷۵۰ آیه وجود دارد که در آن‌ها به پدیده‌های طبیعی اشارت رفته است در غالب این آیات مطالعه آفرینش و تدبّر در آن توصیه شده است. از نظر قرآن کریم موجودات طبیعی آیات حق تعالی هستند و طبیعت‌شناسی باید به منزله آیت‌شناسی تلقی شود و ما را از آیات به صاحب آیات برساند (گلشنی، ۱۳۷۵: ۱۲۵).

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخْتِلَافَ السَّبْتِ كُمْ وَاللَّوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾

«و از آیات او آفرینش آسمان‌ها و زمین، و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماسست در این نشانه‌هایی است برای عالمان» (روم / ۲۲).

مسأله دعوت قرآن به تحقیق و مطالعه در طبیعت و وسیله بودن طبیعت برای شناختن خدا و ماوراء طبیعت و توجه دادن فکر بشر به طبیعت و پدیده‌های خلقت به عنوان آیات معرفت الهی، یکی از اصول اساسی تعلیمات قرآن است و در اینکه قرآن اصرار و ابرام فوق‌العاده دارد که مردم، زمین و آسمان و گیاه و حیوان و انسان را کاوش کنند و مورد جست‌وجوی علمی قرار دهند، جای سخن نیست. قرآن طبیعت را آیت

هستی پروردگار معرفی می‌کند و معتقد است اگر آدمی پیش‌فرض‌های نادرست، تعصب‌ها، گرایش‌های غیرمنطقی و فاقد دلیل را که در اعماق ذهن و اعتقاد او ریشه دوانیده و چونان حجابی جلو چشمان او را گرفته و وی را از دیدن حقایق و درک واقعیت‌های نظام هستی باز داشته است، به کناری نهد و در نظم، اتقان و استواری خلقت شگفت‌انگیز جهان بیندیشد و زیبایی‌های دل‌انگیز و جذابیت‌ها و تنوع موجودات را به تماشا بنشیند به روشنی درخواهد یافت که در پس پرده این جهان مادی، خداوندی وجود دارد که آفریننده آن‌هاست (مجله فرهنگ جهاد، تابستان ۱۳۸۰: ۱۳۸-۱۳۷).

کلمه "آیه" به معنای علامت و نشانه است. این کلمه ۳۸۲ بار در قرآن کریم آمده و در عموم آیات نیز حقایق جهان آفرینش، به عنوان نشانه‌هایی از قدرت کامله و حکمت بالغه الهی مطرح شده است. از جمله آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمدوشد شب و روز، نشانه خدا دانسته شده است (نصری، بهار ۱۳۷۹: ۷۴).

از نظر قرآن موجودات طبیعی آیات حق تعالی هستند (رجوع کنید: آل عمران/ آیه ۱۹۰ و عنکبوت/ ۴۴ و نمل/ ۸۶) و طبیعت‌شناسی باید به منزله آیت‌شناسی تلقی شود و ما را از آیات به صاحب آیات برساند:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكَ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذْ أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ﴾

«و از آیات او این است که آسمان و زمین به فرمان او برپاست سپس هنگامی که شما را (در قیامت) از زمین فراخواند، ناگهان همه خارج می‌شوید (و در صحنه محشر حضور می‌یابید)» (روم/ ۲۵).

طبیعت‌شناسی از دید قرآن مطلوب بالذات نیست و تنها در صورتی که ما را به خالق مدبّر این جهان آشنا و نزدیک کند مطلوب است:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ﴾

«این به خاطر آن است که خداوند حق است و آنچه را غیر از او می‌خوانند باطل است و خداوند بلند مقام و بزرگ است» (حج/ ۶۲).

راه شناخت آیت بودن هستی، اندیشه و فکر آدمی است و همواره انسان در پرتو عنایت و توجه ذهن اشیاء را می‌شناسد و بدان‌ها رهنمون می‌شود. در قرآن آیات زیادی

داریم که حاکی از این هستند که در بعضی افراد چشم و گوش و قلب نقشی را که به آن‌ها محول شده ایفا نمی‌کنند. بسیاری از افرادی که آیات الهی را در طبیعت می‌بینند ولی در آن‌ها تدبیر نمی‌کنند و از آن‌ها بهره نمی‌گیرند (گلشنی، ۱۳۷۵: ۱۳۵):

﴿وَكَايِنٍ مِّنْ آيَاتٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ﴾

«و چه بسیار نشانه‌ای (از خدا) در آسمان‌ها و زمین که آن‌ها از کنارش می‌گذرند، و از آن روی‌گردان‌اند» (یوسف / ۱۰۵).

﴿... لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ﴾

«... آن‌ها دل‌ها [عقل‌ها] ایی دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند، و) نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند آن‌ها همچون چهارپایان‌اند بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلان‌اند (چراکه با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراه‌اند)» (اعراف / ۱۷۹)

از پیامبر اعظم (ص) نیز نقل شده است که فرمودند:

«لَيْسَ الْأَعْمَى مَن يَعْمَى بَصَرَهُ، إِنَّمَا الْأَعْمَى مَن تَعَمَّى بِصِيرَتِهِ»

«کور کسی نیست که فاقد بصر است بلکه کسی است که فاقد بصیرت است» (الهندی البرهان فوری، ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۹م: ۲۴۳).

حاصل آنکه تعالیم اسلامی طبیعت را سراسر به عنوان آیات الهی مطرح می‌نماید که با تفکر و تدبیر و تعقل درباره آن و ارتباط عناصر هستی با یکدیگر، انسان به شناخت بهتر عالم وجود و در نهایت به شناخت خالق هستی و وحدانیت او رهنمون می‌گردد.

بنابراین نگرش آیه‌ای به طبیعت، باعث می‌شود که در مسیر اکتشافات عالمانه آن را از هرگونه تجاوز مصونیت خواهد بخشید. تخریب محیط زیست به معنای نابود کردن مخلوقاتی است که به عظمت خداوند گواهی می‌دهد. نشانه‌های موجود در طبیعت، آشکارا هر صاحب‌خردی را به سوی پروردگار رهنمون می‌سازد و قرآن به عنوان الگو و سبک صحیح زیست محیطی، آیه بودن هستی را به انسان می‌نمایاند و با رهنمون شدن به خالق آیات است که انسان برخوردار می‌شود و درخور، در ارتباط با محیط زیست از خود نشان خواهد داد.

۵. قدسیت هستی

همه موجودات عالم تسبیح‌گوی خداوند هستند اما شیوه تسبیح آن‌ها با انسان تفاوت دارد پس انسان باید با دیده احترام به آن‌ها بنگرد و برای آن‌ها قدسیت قائل باشد. از نظر دین، هر فعل یا امری که جنبه الهی و صبغه ربوبی داشته باشد، مقدس است. خداوند بهترین رنگ را برای امور عالم، رنگ الهی می‌داند؛ و هر چیزی که به هر نوع و ترتیبی، دارای چنین رنگی باشد، امری مقدس است (جوادی آملی، زمستان ۱۳۸۸ ق: ۹۴).

﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَبِيدُونَ﴾

«رنگ خدایی (بپذیرید! رنگ ایمان و توحید و اسلام) و چه رنگی از رنگ

خدایی بهتر است؟! و ما تنها او را عبادت می‌کنیم» (بقره/۱۳۸)

با تدبیر در آیات قرآن کریم، در می‌یابیم که همه موجودات جهان خدا را تسبیح می‌گویند؛ تسبیح خدا این است که او را از هر عیب و نقص پیراسته سازیم و وجود او را از هر عیبی منزّه و مبرا بدانیم. در تسبیح، نظر به پیراستگی خداوند از عیب و نقص است و بازگشت آن به توصیف خدا با صفات سلبی او می‌باشد (سبحانی، ۱۳۶۴: ۱۷۰-۱۷۱).

تسبیح از نظر اهل لغت و تفسیر منزّه ساختن خداوند از آنچه بد و ناشایست و عیب و نقص است معنی می‌دهد. اجرام آسمانی و زمین و تمامی آنچه در آسمان‌هاست با شناوری در هوا و تلاش برای گردش دقیق و نظم خود به فرمان خدا، آفریننده و تربیت کننده خود از هر عیب و نقص منزّه نشان می‌دهند (هاشمی، ۱۳۹۰: ۲۱۳).

درباره «تسبیح موجودات جهان» - اعم از جاندار و نبات و جماد - نظریات گوناگونی گفته شده است که ظواهر آیات قرآنی نیز این حقیقت را تأیید می‌کند (سبحانی، ۱۳۶۴: ۱۷۹).

حضرت امام خمینی (ره) در تفسیر سوره حمد می‌فرماید: «ما در حجاب هستیم که نمی‌توانیم ادراک کنیم، همین موجودات پایین هم که از انسان پایین‌تر هستند و از حیوان پایین‌ترند حتی ادراک هم دارند، همان ادراکی که در انسان هست در آن‌ها هم وجود دارد. تسبیح این موجودات نطق، حرف و لغت است اما به لغت ما نیست. ما محجوب‌ایم و تسبیح موجودات را نمی‌فهمیم. در روایات، تسبیح بعضی از موجودات را هم ذکر کردند که تسبیح چیست؟ در قضیه تسبیح آن سنگریزه‌ای که در دست رسول

الله(ص) بود، که گوش من و شما اجنبی از اوست. چیزهای زیادی است که ما از آن‌ها بی‌خبریم» (امام خمینی، ۱۴۰۰ق: ۲۵-۲۴). لذا ایشان بر این عقیده‌اند که جهان و همه ابعاد آن، دارای شعورند و تسبیح موجودات، تسبیح شعوری است.

آیت الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر این سوره (حمد) بیان داشته‌اند که در معنای حمد و تسبیح موجودات دو دیدگاه عمده وجود دارد:

۱. عده‌ای معتقدند که همه ذرات عالم اعم از جاندار و بی‌جان دارای درک و شعور بوده و در عالم خود با «زبان قال» تسبیح و حمد خدا گویند، گرچه ما بی‌خبران توانایی شنیدن آن را نداریم.

۲. برخی معتقدند که حمد و تسبیح موجودات با «زبان حال» است زیرا تسبیح به معنای پاک و منزّه شمردن از عیوب و حمد نیز به معنای بیان صفات کمالی است و نظام جهان آفرینش از صفات کمال و علم بی‌پایان خداوند سخن می‌گوید. همانگونه که ساختمان‌های عظیم و کارخانه‌های پیشرفته و فوق‌مدرن با زبان بی‌زبانی از سازنده و مخترع و مبتکر خود سخن می‌گویند و هر یک در حد خود از آن‌ها ستایش می‌کنند، نظم و حکمت در کهکشان‌ها نیز حاکی از خالق حکیم و آگاه بوده و آن‌ها با نظم خود ستایش و اطاعت خود را به نمایش می‌گذارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۲: ۱۳۵-۱۳۴ با اندکی تصرف در عبارات).

با توجه به اینکه، برخی از صاحب‌نظران، تسبیح همگانی موجودات را، تسبیح تکوینی دانسته و بیرون از دایره درک و شعور می‌پندارند ولی روشن‌تر از همه در اثبات علم و ادراک برای تمام اشیاء، آیه زیر است:

﴿...وَلَنْ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَّا يَنْفَجْرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَلَنْ مِنْهَا لَمَّا يَشَقُّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَلَنْ مِنْهَا لَمَّا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾

«چراکه پاره‌ای از سنگ‌ها می‌شکافد، و از آن نهرها جاری می‌شود و پاره‌ای از آن‌ها شکاف برمی‌دارد، و آب از آن تراوش می‌کند و پاره‌ای از خوف خدا (از فراز کوه) به زیر می‌افتد (اما دل‌های شما، نه از خوف خدا می‌تپد، و نه سرچشمه علم و دانش و عواطف انسانی است) و خداوند از اعمال شما غافل نیست» (بقره / ۷۴).

خداوند در این آیه صریحاً علت سقوط سنگ را از فراز کوه‌ها همان حالت خوف و خشیت سنگ معرفی کرده و اگر آیه را تأویل نکنیم باید بگوییم به راستی صخره‌ها خوف و خشیت دارند (سبحانی، ۱۳۶۴: ۱۷۹).

نتیجه بحث

اسلام به طبیعت تنها نگاه تنگ‌نظرانه مادی ندارد، بلکه از زاویه‌ای معنوی و قدسی بدان می‌نگرد. از نگاه قرآن کریم جهان هستی دارای نظم بوده و انسان به عنوان جانشین خداوند در زمین، حق انجام کاری را که مخالف اراده و خواست خالق است، ندارد، و از آنجایی که اراده خداوند بر وجود هماهنگی و توازن در طبیعت تعلق گرفته، جانشین او هم باید در همین راستا گام بردارد. از این رو انسان برای پاسداری از عنوان جانشینی خود باید به حفظ توازن و هماهنگی جهان همت گمارد. این مهم می‌طلبد که انسان با درک درست از قرآن و نظام هستی، الگوی اخلاق زیست‌محیطی برآمده از قرآن را - که بیانگر سنجیده بودن نظام هستی است - با بهره‌گیری شایسته و تعامل متناسب با محیط زیست رعایت نماید. به دیگر بیان هرگونه دخالت و تصرفی که موجب برهم خوردن این نظام و توازن باشد، بر خلاف اراده خداوند است. خداوند محیط زیست و طبیعت را به دقت هرچه تمام‌تر، هماهنگ و از روی اندازه و حساب آفریده است. بنابراین هم نظام حاکم بر آن‌ها حق است، و هم هدف آفرینش آن‌ها حق است، و به همین دلیل، این نظم شگرف و آفرینش دقیق و منظم دلیل روشنی است بر آفریدگاری دانا و توانا.

علاوه بر این انسان تنها موجود زنده در جهان نیست بلکه موجودات در طبیعت زنده بوده و شعور دارد و مطیع فرمان خداوند متعال هستند، طبیعت نسبت به ما و کردار و رفتار ما بدون درک و شعور نیست با بوجود آمدن این اعتقاد، آدمی با استفاده بهینه از طبیعت و رعایت حقوق سایر اجزای هستی، در پیشگاه خداوند فرمان‌بردار واقعی محسوب می‌گردد. هم‌چنین جهان هستی هدفمند است هر پدیده‌ای برای رسیدن غایتی که برای آن آفریده شده است، در تلاش و تکاپو است و هدف نهایی آن‌ها یکی است. لذا انسان خود به عنوان جزئی از هستی باید زمینه را برای سایر اجزای هستی، برای رسیدن به غایت خود فراهم آورد. نبودن و تخریب هر یک از آن‌ها ضربات جبران‌ناپذیری بر ادامه

حیات وارد می‌سازد. از هدفمندی هستی بر می‌آید که تمام اجزای آن رو به سوی خالق خود دارد. بنابراین باید از تخریب آن‌ها جلوگیری کرد و تعاملی نیک با محیط داشت. علاوه بر این آیات متعددی وجود دارد که بیانگر آیت بودن جهان هستی است؛ بنابراین نگرش آیه‌ای به طبیعت، باعث می‌شود که آن را از هرگونه تجاوز مصونیت بخشد و تخریب محیط زیست به معنای نابود کردن مخلوقاتی است که به عظمت خداوند گواهی می‌دهد. نشانه‌های موجود در طبیعت، آشکارا هر صاحب‌خردی را به سوی پروردگار رهنمون می‌سازد و قرآن به عنوان الگو و سبک صحیح زیست‌محیطی، آیه بودن هستی را به انسان می‌نمایاند و با رهنمون‌شدن به خالق آیات است که انسان برخوردی مناسب و در خور، در ارتباط با محیط زیست از خود نشان خواهد داد. هم‌چنین همه موجودات عالم تسبیح‌گوی خداوند هستند اما شیوه تسبیح آن‌ها با انسان تفاوت دارد ممکن است که بشر قادر به درک شکل تسبیح طبیعت نباشد، اما این حقیقتی است که قرآن کریم آن را ترسیم می‌کند و آن دلیل دیگری برای حفاظت و تعاملی نیک با محیط است. پس انسان باید با دیده احترام به آن‌ها بنگرد و برای آن‌ها قدسیت قائل باشد و چون هستی مسیح خداست، انسان باید حقوق هستی را با بهره‌گیری شایسته و بدون تخریب محیط زیست رعایت کند. وقتی انسان بداند هستی تسبیح‌گوی حق است، پس نوعی قداست دارد رابطه او با محیط زیست فقط برای تأمین نیازهای خود نخواهد بود؛ و باید آن را حفظ کرد و تعاملی نیک در برخورد با آن داشت.

در نتیجه می‌توان فهمید که همه اوصاف هستی گواه بر این حقیقت‌اند که، قرآن و پروردگار حکیم، عظمت و اهمیت ویژه‌ای برای همه مخلوقات از جمله طبیعت و پدیده‌های طبیعی قایل‌اند. این اهمیت، درس‌گران‌بها برای همگان است تا آن‌ها را دست‌کم نگیرند، در آفرینش آن‌ها بیش‌تر بیندیشند و به حقایق و اسرار نهفته در درون آن‌ها بیش‌تر فکر کنند. تفکر و تدبیر و تعقل درباره آن‌ها و ارتباط عناصر هستی با یکدیگر، انسان به شناخت بهتر عالم وجود و در نهایت به شناخت خالق هستی و وحدانیت او رهنمون می‌گردد. بنابراین نوع نگاه افراد به هستی در چگونگی نحوه برخورد با آن بسیار مهم است. مبانی هستی‌شناختی قرآن می‌تواند در تعامل با محیط زیست نقش چشمگیری داشته باشد. هستی از دیدگاه قرآن، هدفمند، دارای نظم، آیت خداوند،

دارای درک و شعوری و قدسیت می‌باشد. توجه به چنین اوصافی با توجه به دلالت صریح آیات قرآن در انسان انگیزه مواجه خردمندانه و تعامل نیک را با محیط زیست فراهم می‌سازد. این نوع نگاه و تلقی شعورمندانه از هستی که همراه با ایجاد میل و انگیزه در انسان است می‌تواند زمینه ظهور و بروز افعال اخلاقی و ارتباطی حقدارانه را با محیط زیست سبب شود که در آن حق محیط زیست به عنوان یکی از ارکان هستی که کمال آدمی و امدار آن است، بهره‌مندی درست و تعامل نیک از آن است. در این نوع رفتار است که محیط زیست و مواهب طبیعی از تصرفات قهرآمیز و ویرانگر انسان در امان است و و در شکوفایی و رونق آن تلاش صورت می‌گیرد. این مقاله با ذکر آیات قرآن کریم، الگویی توحیدی از نحوه تعامل انسان را با محیط زیست را ارائه می‌کند.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

اصغری لفجانی، صادق. ۱۳۸۴، اصول تربیت زیست محیطی در اسلام، تهران: مرکز نشر سپهر. پور محمدی، علی. تابستان ۱۳۸۷، مبانی فلسفی اخلاق زیستی، تهران: مؤسسه فرهنگی، حقوقی سینا.

جوادی آملی، عبدالله. زمستان ۱۳۸۸، اسلام و محیط زیست، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء. خمینی، روح الله. ۱۴۰۰ق، با قرآن در صحنه (تفسیر سوره حمد)، تهیه و تنظیم علی اصغر ربانی خلخالی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

خمینی، روح الله. بی تا، آداب الصلاة، تهران: دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). سبحانی، جعفر. ۱۳۶۴، قرآن و اسرار آفرینش (تفسیر سوره رعد)، قم: نشر مؤسسه امام صادق (ع). سبحانی، محمد. ۱۳۸۷، اندیشه اسلامی (۱)، چاپ دوازدهم، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. شفیعی مازندرانی، سید محمد. ۱۳۸۶، «طبیعت و محیط زیست از نظر قرآن و سنت»، قم: انتشارات اسلامی.

شفیعی مازندرانی، سید محمد. پاییز ۱۳۷۶، تأثیر محیط زیست در انسان، قم: انتشارات اسلامی. صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی. بی تا، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، چاپ سوم، بیروت: انتشارات دار إحياء التراث.

گلشنی، مهدی. ۱۳۷۵، قرآن و علوم طبیعت، تهران: نشر مطهر. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية. نصر، سیدحسین. بهار ۱۳۷۹، نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میاندراری، بی جا: نشر مؤسسه فرهنگی طه.

نصری، عبدالله. تابستان ۱۳۷۹، مبانی انسان شناسی در قرآن، بی جا: انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

ولایی، عیسی. ۱۳۸۸، اسلام و محیط زیست، قم: نشر اندیشه مولانا.

هاشمی، زینب، پاییز ۱۳۹۰، طبیعت در قرآن، چاپ چهارم، بی جا: انتشارات آصف.

مقالات

احمدی نیک، سید مهدی. «قرآن؛ گستره معانی و رابطه آن با جاودانگی»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دانشگاه آزاد جیرفت، دوره ۲، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۶.

حسینی، سید علی. تابستان ۱۳۸۰، «طبیعت مخلوق خدا»، مجله فرهنگ جهاد، شماره ۲۴.
حسینی، سید علی. بهار ۱۳۸۲، «بازخوانی کتاب فقه محیط زیست»، مجله فرهنگ جهاد، شماره
۳۱.

رستمی، محمدحسن. ۱۳۷۳، «اهداف قرآن از طرح مسایل طبیعی (۱)»، مجله فرهنگ جهاد، شماره
۲۸.

سعد الدین، محمد منیر. تابستان ۱۳۷۸، «محیط زیست و مسؤولیت انسان»، مجله فرهنگ جهاد،
شماره ۱۶.

ممتحن، مهدی. «موسیقی و نظم آوایی قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات قرآنی، جیرفت، سال اول،
شماره ۴.